



نگاه آمریکایی به امنیت جهانی*

کمیسیون استراتژی امنیت ملی آمریکا

تنظیم و تلخیص: دفتر فصلنامه

مقدمه

تصویری که از جهان در ۲۵ سال آینده می‌توان داشت، البته تصویری مبهم است که با توجه به روندهای مختلفی که در آن به وقوع خواهد پیوست، ماهیت و اجزاء آن مشخص می‌شود. با این حال از نگاه آمریکا آن چه در جهان آینده وجود خواهد داشت، عبارت است از:

۱. پراکندگی قدرت: ظاهر امر حکایت از آن دارد که: نه آمریکا و نه هیچ کشور دیگری نخواهد توانست قدرت بلامنازع باشد.

۲. کوچک شدن جهان: پروژه / پروسه جهانی شدن به میزان زیاد محقق شده، حاکمیت ملی سنتی دچار فرسایش می‌شود.

۳. تهدیدات فزاینده: با توجه به کوچک شدن جهان و تلاش آمریکا برای کسب مقام برتر در گستره جهانی، این کشور با تهدیدات بیشتری نسبت به قبل مواجه خواهد بود.

۴. آینده سازی: تاریخ صرفاً مجموع رخدادها نیست که پس از وقوع، نام تاریخ به خود بگیرند؛ بلکه می‌توان نسبت به «ساختن» آن نیز اقدام کرد. بر این اساس می‌توان آینده‌سازی را نیز مدنظر داشت.

چنین به نظر می‌رسد که آمریکا جهت نیل به اهداف خود در گستره جهانی و در عین حال صیانت از امنیت ملی خود، نیازمند آن است که در پروژه ساخت آینده به صورت فعال حاضر شود. برای این منظور لازم است تا:

الف - تغییرات آینده جهان را در ۲۵ سال آینده پیش‌بینی نماید؛

ب - روندهای منطقه‌ای را متناسب با آن تحولات شناسایی کند؛

ج - وضعیت آمریکا را در این میان شخص سازد؛

د - سناریوهای ممکن را استخراج و بالاخره بهترین آنها را برای آمریکا مشخص سازد.

الف. تغییرات جهانی

جهان در ۲۵ سال آینده در چهار حوزه تحولات بنیادینی را شاهد خواهد بود. این حوزه‌ها عبارتند از:

۱. علمی - فن‌آوری

با توجه به کشف و توسعه فناوری‌ها، ما شاهد مرگ فاصله‌ها خواهیم بود. بر این اساس در حوزه‌های «اطلاعاتی»، «زیست محیطی» و «مکانیکی» تحولات چشمگیر بوده و در نتیجه دستیابی به اطلاعات بسیار آسان شده، طول عمر انسان‌ها افزایش می‌یابد و بالاخره میکروالکترومکانیک و نانو تکنولوژی حیات انسان را متحول می‌سازند. این تحولات بنیادین در حوزه فناوری، از حیث امنیتی معانی خاصی برای آمریکا دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱-۱- الگوی جهانی انرژی چندان تغییری نخواهد یافت و سوخت‌های فسیلی همچنان مهم خواهند بود. بنابراین صیانت از صدور انرژی از کشورهای تولیدکننده به آمریکا و غرب، و تلاش برای حفظ ثبات قیمت نفت یک اصل ضروری است.

۱-۲- سرعت تحولات و تغییرات اجتماعی بسیار بیشتر از گذشته خواهد بود. بنابراین باید جامعه را مستعد پذیرش این تحولات، آن هم بدون از دست دادن وفای و هویت ملی‌شان، ساخت. ۱-۳- سرعت یافتن تحولات، امکان پیش‌بینی‌های خاص و به ویژه درازمدت را کاهش می‌دهد. بنابراین لازم است از برنامه‌ها و طرح‌های کوتاه مدت حمایت شود.

۱-۴- متاثر از عوامل بالا باید گفت که: اعمال هرگونه سیاست و انجام هرگونه تلاش برای ایجاد کنترل متمرکز بر بازار و بازرگانی، بی‌فایده خواهد بود. به عبارت دیگر آنان که با فناوری‌های تازه آشنا نباشند، به طور قطع در بازار اقتصاد، بازنده هستند.

۱-۵- زمان واکنش برای دولتمردان کاهش یافته، عرصه داخلی و خارجی، اقدامات عاجل را برای حفظ منافع و امنیت ملی، می‌طلبد.

۱-۶- محیط آینده از حیث معرفتی و عملی، محیطی پرتنش خواهد بود. بنابراین باید با آموزش‌ها و مهارت‌های ویژه چنین دوره‌ای، وارد آن شد.

۱-۷- نباید فراموش کرد که علی‌رغم پیامدهای بالا، کلید ایجاد آرامش و ایمنی همچون گذشته در داشتن فناوری پیشرفته است.

۱-۸- جوان‌گرایی سبب می‌شود تا در جهانی که با پدیده افزایش طول عمر مواجه است، مدیران و کارپردازان جوان به سرعت بر نسل‌های قبلی، پیشی بگیرند. واقع امر آن است که جوانان به علت بهره‌مندی از امکانات بهتر و فناوری‌های پیشرفته‌تر، به قابلیت‌های تازه‌ای دست می‌یابند

که پدرانشان از آن محروم بودند. بر این اساس «سن بیشتر = تجربه بیشتر»، اعتبارش را از دست خواهد داد. این امر می‌تواند به بروز بحران‌های معنوی در جوامع پیشرفته - چون آمریکا - منجر شود.

۹-۱- در اقتصاد مبتنی بر دانش آینده، جایگاه مردان نیز متزلزل شده و لذا می‌توان از تقویت فنیسیسم به عنوان یک پدیده اجتماعی - اقتصادی در ۲۵ سال آینده یاد کرد.

۱۰-۱- فن‌آوری‌های تازه (مثلاً در حوزه تعیین جنسیت و...) منجر می‌شود تا ارتباط علم با اخلاق به مراتب ضعیف‌تر از گذشته شود. (اگر نگوییم قطع شود)

۱۱-۱- با توجه به خلق فضاهای مجازی، روش‌های فعلی دموکراسی تو خالی شده، می‌طلبید به فکر تعاریف تازه‌ای از دموکراسی باشیم تا اراده مردم را به صورت واقعی (و نه مجازی) در عرصه حکومت، نشان دهد.

۱۲-۱- پنهان کاری، و رازپوشی به صورت‌های قبلی آن به مقوله‌ای کهنه و مندرس تبدیل می‌شود لذا باید به تلقی تازه‌ای از واژگانی چون «امور شخصی»، «فضای خصوصی» و یا حتی «محرمانه» دست یافت.

۱۳-۱- مقوله عدالت اجتماعی به صورت یک پرسش بنیادین در خواهد آمد که سیاست‌های مالیاتی و توزیعی دولت‌ها را به چالش فرامی‌خواند. در واقع اقتصاد تازه معلوم نیست تا چه اندازه مبتنی بر عدالت باشد.

۱۴-۱- فن‌آوری تازه می‌تواند در اختیار رقبای فرهنگی قرار گیرد. بنابراین تروریسم نوینی شکل خواهد گرفت.

۱۵-۱- دولت‌ها و مرزهای ملی نفوذپذیر می‌شوند. لذا به جای ملی‌گرایی، منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی حاکم می‌شود.

۱۶-۱- فن‌آوری‌های پیشرفته شکاف تازه‌ای را بین کشورها ایجاد می‌کند و فاصله شمال و جنوب، عمیق‌تر می‌شود.

۱۷-۱- هویت ملی تضعیف می‌شود و دولت‌هایی که نتوانند چاره‌ای برای آن بیابند، دچار بحران می‌شوند.

۱۸-۱- صنعت جهانگردی، عظیم‌ترین صنعت درآمدزای جهانی خواهد بود.

ملاحظات بالا حکایت از آن دارد که فناوری در عین آن که بحران‌ساز می‌شود، اما تنها راه حل ممکن برای مقابله با این بحران را توامان به دست می‌دهد که همان استفاده بیشتر و کارآمدتر از فناوری‌های پیشرفته است. به عبارت دیگر، گریزی از بحران فناوری نیست، مگر با کسب فناوری پیشرفته و استفاده موثر از آن.

۲. تغییرات اقتصادی

اقتصاد به خاطر پاسخ‌گویی به سؤال چيستی ثروت و نشان دادن چگونگی استفاده از آن و توزیع درآمدهای ناشی از آن، از جمله مهم‌ترین مقولات جوامع بشری به شمار می‌آید که بی‌توجهی به آن مشکلات امنیتی بسیاری برای دولت‌ها ایجاد خواهد کرد. مهم‌ترین مساله در حوزه امنیت ملی آمریکا، میزان روند همگرایی در نظام اقتصادی جهان است؛ چرا که این همگرایی در نوع و جایگاه اقتصاد آمریکا تاثیر بسزایی دارد. از این منظر نکات زیر قابل توجه است:

۱-۲- گردش سرمایه بین‌المللی، تحولی چشمگیر می‌یابد. بدین معنا که: نظام مالی جهانی از یک مجموعه کوچک اصلی به مجموعه‌ای از مؤسسات اعتباری بسیار بزرگ تبدیل می‌شود.
۲-۲- اقتصاد جهانی به نوعی در هم ادغام می‌شود. (ادغام با پدیده پیوستگی که ما امروزه می‌شناسیم متفاوت است) لذا می‌توان پیش‌بینی کرد که:

یک - واردات کالاهای مصرفی افزایش می‌یابد.

دو - صدور تولیدات مونتاژ و فن‌آوری پیشرفته، رونق می‌یابد.

سه - موفقیت در عملیات اقتصادی خارجی رمز موفقیت اقتصاد داخلی و ملی خواهد بود.

چهار - بازرگانی خدمات، رونق بسیاری می‌یابد.

پنج - شرکت‌های چند ملیتی و شبکه‌های تولید اقتصادی، بازرگان اصلی خواهند بود.

شش - بازارهای سهام جهانی، به مراتب مؤثرتر ظاهر خواهند شد.

هفت - نهادهای اقتصادی بین‌المللی که جنبه قانون‌گذاری و داوری دارند، به طور قطع

حاکمیت بیشتری می‌یابند و بازرگانان دیگر باید حضور آنها را گردن بنهند.

هشت - فشار از ناحیه مردم بر دولت برای پیوستن به اقتصاد جهانی و بهره‌مندی از مزایای

آن افزایش می‌یابد.

۲-۳- سیاست‌های مقاومت در برابر ادغام اقتصاد جهانی (حمایت از فرآوردهای داخلی،

مقاومت‌های فرهنگی، و...) کارساز نبوده، اقتصاد جهانی خود را تحمیل می‌کند.

۲-۴- شکاف بین فقیر و غنی در گستره جهانی و در داخل واحدهای ملی، تجلی و عمق

بیشتری می‌یابد. این امر می‌تواند نوعی واگرایی را ایجاد نماید که در هر دو سطح داخلی و جهانی،

امنیت سوز است.

۲-۵- نفت با قیمت ارزان و مستمر باید به غرب برسد و هرگونه تهدیدی در این زمینه باید

رفع شود.

نتیجه تحولات اقتصادی بالا آن است که: توانایی دولت‌ها در اعمال کنترل بر سرمایه‌ها کمتر

می‌شود، استانداردهای تازه خود را بر کشورهای جهانی تحمیل می‌کنند، سیاست «دولت حداقل اقتصادی» رواج می‌یابد، ادغام اقتصادی سبب می‌شود تا دولت‌های ملی تضعیف شوند، بلوک‌های اقتصادی همبسته ظهور کرده و به بازیگران برنده تبدیل می‌شوند، و... بالاخره آن که، بحران‌های اقتصادی جدی برای بسیاری از کشورها در راه است که البته برای آمریکا چنین بحران‌هایی پیش‌بینی نمی‌شود و گمان می‌رود که آمریکا بتواند به منافع اقتصادی بیشتری در این فضای تازه دست یابد.

۳. تغییرات سیاسی - اجتماعی

واقع امر آن است که شیوه اداره جهان در ۲۵ سال آینده با آن چه امروزه دیده می‌شود، متفاوت خواهد بود. عواملی که در این ارتباط قابل توجه‌اند، عبارتند از:

- ۱-۳- حاکمیت ملی تضعیف می‌شود.
- ۲-۳- جهانی شدن، مقبولیت و گسترش قابل توجهی می‌یابد.
- ۳-۳- مساله جوانان به موضوعی جدی تبدیل شده و جوان‌گرایی در صورت عدم توجه به آن بحران ساز می‌شود.
- ۴-۳- بحث از فساد، به ویژه در ساخت دولتی جدی می‌شود.
- ۵-۳- خدمات اجتماعی نیاز جدی مردم در سطحی وسیع می‌شود.
- ۶-۳- تکثر سیاسی به خاطر شبکه اطلاعات جهانی بیشتر می‌شود.
- ۷-۳- مردم خواهان حضور جدی‌تر در کانون قدرت خواهند بود. (مردم‌سالاری)
- ۸-۳- استمرار حیات نظام‌های بسته به مراتب مشکل و غیرممکن می‌شود.
- ۹-۳- رفاه اقتصادی اولویت اول جوامع می‌شود که نبود آن بحران‌های داخلی را دامن می‌زند. (مانند مهاجرت نخبگان و...)

- ۱۰-۳- گرایش به مذهب و ایدئولوژی همچنان وجود خواهد داشت.
- ۱۱-۳- تقابل سکولاریزم و مذاهب سیاسی، جدی‌تر خواهد بود.
- ۱۲-۳- حقوق بشر شکلی جهانی یافته و خود را بر تمامی نظام‌ها تحمیل می‌کند.
- ۱۳-۳- بازیگران فراملی در تعیین سرنوشت سیاسی ملت‌ها، ایفای نقش جدی خواهند کرد.
- ۱۴-۳- سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم، تهدیدات جدی در عرصه حیات جمعی انسان خواهد بود که مقابله با آنها به ایجاد یک عزم جهانی منجر می‌شود.

بر این اساس می‌توان چنین پیش‌بینی کرد که نظام‌های متعددی باید خود را برای برکناری از مقام اداری جامعه آماده سازند و آمریکا به همراهی سایر مجامع بین‌المللی، در این تحول عمده

سیاسی نقش آفرین خواهد بود. به عبارت دیگر، آمریکا باید توان مداخله‌گری خود را بالا ببرد.

۴. ملاحظات امنیتی - نظامی

آن چه ذکر شد، نشان می‌دهد که محافظت از خود، یک اقدام بسیار مشکل خواهد بود و برای بسیاری از کشورها امری غیرممکن به نظر می‌رسد. در این ارتباط عوامل زیر قابل توجه‌اند:

۱-۴ - جنگ میان دولت‌های ملی همچنان ادامه خواهد داشت. البته کشورهای توسعه یافته و دموکراتیک کمتر به جنگ روی می‌آورند. احتمالات بروز جنگ بیشتر متوجه موارد زیر است:

یک. چین و روسیه برای توسعه منطقه نفوذ خود.

دو. دشمنان قدیمی برای حل مسایل‌شان با توجه به توانمندی‌های تازه و پیشرفته (مثلاً هند و

پاکستان)

سه. جنگ بر سر مرز (مانند ایران و عراق و...)

۲-۴ - خشونت‌های داخلی افزایش می‌یابد. مسایل قومی، قبیله‌ای و یا ایدئولوژی عامل اصلی این منازعات هستند.

۳-۴ - تروریسم با استعانت از فن‌آوری و اطلاعات مدرن، معضل جدی جهان آتی خواهد بود.

۴-۴ - سلاح‌های شیمیایی و موشکی، رواج بسیار یافته و این می‌تواند برای تمامی کشورها خطر ساز باشد.

۵-۴ - توسعه سلاح هسته‌ای اگرچه به سرعت توسعه سلاح‌های کشتار جمعی دیگر نیست، اما خطر بیشتری به همراه دارد؛ به ویژه آن که کشورهایی چون عراق بتوانند آن را به دست آورند.

۶-۴ - طیف تازه‌ای از سلاح‌های استراتژیک اطلاعاتی به وجود خواهند آمد که به بروز ناامنی در تمامی کشورها کمک می‌کنند. در این جنگ «بابت‌ها» جای «گلوله‌ها» را می‌گیرند (ویروس‌های تازه و مخرب، نفوذ به درون سایت‌های محرمانه و شخصی و...)

۷-۴ - سلاح‌های کشتار جمعی، برخلاف سایر سلاح‌ها جوامع مدرن را بیشتر تهدید می‌نمایند تا جوامع سنتی. مثلاً حمله به شبکه کنترل ترافیک هوایی در یک کشور توسعه یافته، خود تهدید بزرگی است که بسیاری از کشورهای جهان سومی با آن مواجه نیستند.

۸-۴ - فضای ماورای جو اهمیت خاص یافته و عرصه رقابت و جنگ خواهد بود. بیش از

نیمی از ۶۰۰ ماهواره فعلی که در مدار زمین وجود دارد، متعلق به کشورهای غیر از آمریکا هستند و تعداد زیادی از ۱۵۰۰ ماهواره‌ای که در آینده به فضا پرتاب خواهند شد، نیز چنین وضعیتی خواهند داشت. افزون بر جنگ اطلاعاتی، می‌توان از احتمال استقرار سلاح در فضا و جنگ‌های فضایی نیز سخن گفت.

خلاصه کلام، آمریکا از نظر نظامی بر تمامی رقیبان احتمالی خود - چه به صورت فردی و یا جمعی - برتری خواهد داشت. اما فناوری‌های تازه اطلاعاتی و نظامی می‌تواند برای آمریکا ایجاد تهدید بنماید که در این ارتباط تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی در اولویت نخست قرار دارند. برای این منظور لازم است تا آمریکا توانایی‌های سنتی و مدرن خود را در این حوزه‌ها، همچون قبل افزایش دهد.

ب. ایالات متحده آمریکا (سال ۲۰۲۵)

اگرچه تجزیه و تحلیل وضعیت کشوری که در ارتباط با تمامی قسمت‌های مختلف جهان بوده و سعی دارد تا به عنوان قدرت مسلط در عرصه روابط بین‌الملل ظاهر شود، کاری دشوار است؛ با این حال در این قسمت سعی خواهد شد تا حساس‌ترین محورها که قابل گمانه‌زنی است، مورد توجه قرار گیرند.

۱. وضعیت اجتماعی

۱-۱. جمعیت کشور از حدود دویست و هفتاد و سه میلیون نفر فعلی به حدود سیصد و سی و پنج میلیون، بالغ خواهد شد.

۲-۱. میانگین سنی جمعیت آمریکا افزایش خواهد یافت و اگر این رقم ده درصد باشد؛ در آن صورت پدیده پیری جمعیت در این کشور نیز رخ خواهد نمود.

۳-۱. سیمای نژادی و قومی آمریکا تغییر خواهد کرد. هم اینک ۷۲٪ جمعیت سفیدپوست آمریکا غیراسپانیولی هستند که تا سال ۲۰۲۵ این نسبت به ۶۲٪ کل جمعیت کاهش می‌یابد.

ازدواج‌های بین گروهی و نژادی نیز باعث خواهد شد تا آمیختگی نژادی این کشور به مراتب بیشتر از زمان حال باشد. این مساله از آن جا حائز اهمیت است که احساس بیگانگی در آمریکا را نزد گروهها و اقوام کاهش داده و بدین ترتیب ضریب امنیتی را افزایش می‌دهد. چرا که، کسانی که خود را بیگانه قلمداد نمایند، تلقی متفاوتی از امنیت ملی داشته و در تحقق آن کمتر می‌کوشند.

۴-۱. التزام به هویت ملی و ملیت هم چنان وجود داشته و افراد بنا به دلایل متعدد ترجیح خواهند داد که در آمریکا به ادامه زندگی بپردازند. این شاخص در مورد قشر تحصیلکردگان صادق بوده و آمارها حکایت از اقبال آنها برای باقی ماندن در آمریکا پس از اتمام تحصیلات دارد.

۵-۱. وضعیت اجتماعی گروههای مختلف بیشتر رو به بهبودی داشته و شاهد رشد اقتصادی و در نتیجه کاهش بیکاری و افزایش خدمات اجتماعی خواهیم بود.

۲. وضعیت علمی، فنی

۲-۱. پیشگامی آمریکا در حوزه علوم و فنون همچنان حفظ شده و اقبال به این کشور زیاد خواهد بود.

۲-۲. نقش آمریکا در شبکه جهانی (با توجه به حضور بیش از ۶۰ درصد از کاربران اینترنت در آمریکای شمالی) همچنان محوری خواهد بود. البته این محوریت و رهبری با توجه به تلاش کشورهای چون فنلاند، استرالیا، اسرائیل، ژاپن و تایوان، قدری کم‌رنگ شده و دیگر به سبک امروزی نخواهد بود.

۲-۳. برتری آمریکا در حوزه فن‌آوری نظامی، همچنان وجود خواهد داشت. این امر مدیون بودجه بخش پژوهش‌های نظامی است که دولت آمریکا پیوسته آن را مدنظر داشته است (در سال ۱۹۹۶ مبلغ ۳۲ میلیارد دلار یعنی ۷۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری جهانی آمریکا را تشکیل می‌داد و البته همین روند در آینده باید حفظ باید شود).

۳. وضعیت اقتصادی

۳-۱. رشد اقتصادی خوبی برای این دوره زمانی آمریکا پیش‌بینی می‌شود. تخمین‌های موجود حکایت از آن دارد که در ۲۵ سال آینده، آمریکا سالانه سه درصد رشد اقتصادی خواهد داشت. این رقم حجم اقتصاد آمریکا را تا ۲۵ تا ۲۰ به دو برابر وضعیت فعلی ارتقا خواهد داد. یعنی تولید ناخالص ملی بالغ بر ۱۶ تریلیون دلار خواهد بود.

۳-۲. اقتصاد آمریکا به شکل فراگیری، بین‌المللی خواهد شد؛ لذا سهم تجارت خارجی در تولید ناخالص ملی آمریکا افزایش خواهد یافت و این بدان معناست که آمریکا از حیث اقتصادی شکل مداخله‌جویانه‌ای در بسیاری از مناطق مختلف جهان، خواهد یافت.

۳-۳. اصل عدالت در توزیع درآمدهای زیاد زیر سؤال رفته و اختلاف اقتصادی به شکل بارزتری ظهور می‌نماید. این تفاوت، فرآیند تامین هزینه‌های خدمات اجتماعی را با مشکل جدی مواجه می‌سازد.

۴. ارزش‌های اجتماعی

۴-۱. هویت ملی آمریکا همچنان بر پایه اهداف مشترک به شکلی منسجم و قوی وجود داشته و شهروندان متنوع این جامعه را در کنار یکدیگر قرار خواهد داد.

۴-۲. افت قابل توجهی در حوزه علاقه مردم به مشارکت سیاسی در امور جامعه‌شان را شاهد خواهیم بود. شایان ذکر است که این افت در ۲۵ سال گذشته به ۲۵ درصد هم رسیده است. این

مساله چون می‌تواند بیانگر بی‌اعتمادی مردم به دولت باشد، مهم بوده و می‌طلبد تا دولت آمریکا برای معنادار شدن دموکراسی در پی اجرای راهکارهای تازه‌ای برآید.

۳-۴. از نظر اجتماعی، دو رویکرد متفاوت امروزه در مقابل یکدیگر صف‌آرایی نموده‌اند: عده‌ای که تقویت هویت ملی را در گرو وجود دشمن خارجی می‌بینند و دسته‌ای که نبود دشمن را از این حیث مثبت ارزیابی می‌نمایند. چنین به نظر می‌رسد که دشمن تراشی راه‌حل مناسبی برای ۲۵ سال آینده نباشد اما روند انزوای طلبی برای آمریکا نیز مثبت ارزیابی نمی‌شود. راه‌حل مناسب «درگیر شدن محتاطانه» است که مشارکت آمریکا در امور جهانی را در مواقعی خاص و محدود توجیه می‌نماید.

۴-۴. مساله خدمت سربازی با توجه به کاهش اقبال عمومی جوانان برای پذیرش چنین مسؤولیتی، دوباره در دستور کار دولت قرار خواهد گرفت و چنین به نظر می‌رسد که طرح نظام وظیفه اجباری بتواند بار دیگر طرح و تصویب شود. به عبارت دیگر، از ۲۵ سال گذشته که طرح خدمت وظیفه اجباری در آمریکا لغو شده، ارتش از نیروهای داوطلب به بهترین وجهی استفاده برده است اما به نظر نمی‌رسد که این روند نیازهای نظامی ۲۵ سال آینده را نیز پوشش دهد. آمارها حکایت از کاهش داوطلبان در تمامی رده‌های سنی و یا گروه‌های قومی - نژادی (به جز زنان) دارد که در ۲۵ سال آینده به یک مشکل جدی تبدیل خواهد شد.

خلاصه کلام آن که: اگرچه مردم آمریکا در مواقع حساس و حیاتی حاضر به حضور جدی در میدان مبارزه و دفاع از آمریکا و منافع ملی‌شان هستند؛ اما حاضر نیستند در برابر تهدیدهایی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم رخ داده و علت آنها ملاحظات اخلاقی است، فداکاری بنمایند. بنابراین منازعات آتی آمریکا نباید متوجه حوزه‌های ارزشی عقیدتی باشد، بلکه باید به منافع ملی مربوط شود تا از نظر مردم توجیه لازم را برای واکنش نظامی و صرف هزینه بیابد.

ج. به دنبال کدامین هدف؟

۲۵ سال آینده می‌تواند به اشکال مختلف و در قالب سناریوهای متفاوتی سپری شود، با این حال سوال اساسی آن است که سناریوی مطلوب آمریکا کدام است؟ در مجموع چهار سناریوی اصلی را می‌توان مطرح کرد که عبارتند از:

۱- صلح دموکراتیک

جهان در صورتی شاهد تحقق این سناریو خواهد بود که:

۱. حاکمیت بلامنازع معیارهای مردم سالارانه،

۲. رفع تضادهای تند عقیدتی، و

۳. افزایش همکاریهای سیاسی دولت‌ها را شاهد باشیم. در چنین حالتی حاکمیت ملی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی باز تعریف شده، رشد اقتصادی آرامی تجربه می‌شود و جهان سعی خواهد کرد کلیه شکاف‌های اقتصادی، عقیدتی، سیاسی و امنیتی را به نفع منافع عمومی شهروندان، کاهش داده و صلحی پایدار را برای همگان به ارمغان آورد. در چنین دنیایی، آمریکا سعی می‌کند به عنوان حامی اصلی مردم سالاری و ارزش‌های جهانی ظاهر شود و بر اساس اصل همکاری متقابل، و با استفاده از توان فناوری، اطلاعاتی و اقتصادی تمام بازیگران، به رفع خشونت همت گمارد. این سناریو اگرچه مطلوب است اما خوش‌بینانه بوده و به نظر می‌رسد که با واقعیت‌های بیرونی منطبق نباشد.

۲- ملی‌گرایی

در این جهان، مخالفت با یکپارچگی اقتصادی رخ خواهد داد و بلوک‌های قدرت تازه‌ای (تحت عنوان منطقه‌گرایی) ظهور می‌نمایند. این امر بدان معناست که سطح زندگی در بسیاری از کشورها افت خواهد داشت و دولت‌ها در برآورده نمودن نیازمندی شهروندانشان ناکام خواهند ماند، تا آن جا که ناآرامی‌های اجتماعی بسیاری رخ خواهند نمود. در این حالت امکان این که کشورهای پیشرفته از پذیرفتن تعهدات بازرگانی بین‌المللی - چون سازمان تجارت جهانی - سرباز زنند وجود دارد (حتی آمریکا). در نتیجه، اتحادیه‌های فرامنطقه‌ای پا به عرصه وجود خواهند گذارد که اگرچه برای برخی از کشورها سودمند است اما مناطق عمده‌ای را در اداره مناسب اقتصاد ملی‌شان با مشکل مواجه می‌سازد. گذشته از آن باید منتظر بروز چالش‌های ملی و قومی که شعله جنگ‌های متعددی را در مناطقی چون آفریقا و یا آسیا برمی‌افروزد باشیم. همین امر اهمیت اتحادهای نظامی را دوچندان می‌نماید. لذا فناوری‌های تازه - همچون نانو تکنولوژی - به سرعت در حوزه نظامی فعال شده و رقابت نظامی ابعاد و سطوحی تازه خواهد یافت. چنین سناریوی به آمریکا می‌گوید که به زودی رقبای تازه‌ای پیدا خواهد کرد که این کشور را به مبارزه فرا می‌خوانند.

۳- جهانی شدن پیروزمندانه

در این سناریو ایده جهانی شدن با ایجاد و یکپارچگی مورد نظر، تحقق می‌یابد و به یک معنا جهان وارد دوران تازه‌ای می‌شود که بیش از افتراق، شاهد هماهنگی و همیاری در عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد است. اگرچه این سناریو ایده‌آل است، اما نباید فراموش کرد که

تروریسم یک خطر جدی خواهد بود که در آن صورت بازیگران جهانی و نظام جهانی را تهدید می‌نماید، در چنین حالتی آمریکا شکل تهاجمی خود را از دست داده بیشتر پدافندی ظاهر خواهد شد. ضمناً باید به بازتعریف نظام‌های تازه‌ای، به جای سازمان ملل متحد، پرداخت که جهان یکدست وقت را راهبری و اداره نمایند. این سناریو نیز اگرچه بنیادین و مطلوب به نظر می‌رسد، اما بسیار آرمان‌گرایانه است.

۴- تقسیم و درگیری

در این جهان، کشورهای انگشت شمار پیشرفته به همکاری بیشتر با یکدیگر روی می‌آورند ولی عمده کشورهای جهان همچنان فقیرتر شده و در دریایی از مشکلات غوطه‌ور می‌شوند. نتیجه چنین حالتی، کاهش رشد اقتصادی و حاکمیت نوعی از هرج و مرج‌گرایی است که در نتیجه دل‌سردی نسبت به نهادهای بین‌المللی و کارایی آنها پدیدار می‌شود. شاخص بارز چنین جهانی، حضور گزینشی و یکسویه آمریکا در درگیریها و بحران‌های منطقه‌ای است که انتقادات شدیدی را نیز به دنبال می‌آورد.

فعال شدن تروریست‌ها و به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی می‌تواند در چنین فضایی توجیه شود و به عنوان مقابله با جهان غیرعادلانه موجود، مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* The United State Commision National Security 21 Century, American Security in 21 Century, 2001.

متن کامل این گزارش در فروردین ۱۳۸۱ در معاونت پژوهشی پژوهشکده مطالعات راهبردی توسط آقای علیرضا امیدواری ترجمه و در قالب گزارش راهبردی شماره ۳۸-۱-۳-۱-۸۱ منتشر شده است